

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

شمسی صلواتی
۱۱ سپتمبر ۲۰۱۳

[در حسرت دیدار مادر]

آیا کسی است که به جز خار، اسم مرا از گل شنیده باشد؟
می دانم! جواب این سؤال سخت است چون کسی مادر من را ندیده است، خود من، هم ندیده ام. زن مامایم می گفت که "من شکل مادرم هستم". من خودم مادرم را ندیده ام.
گاهی اوقات دلم خیلی کوچک می شود و سراغ مادرم را از بابایم می گیریم. اما بابا می گوید:
وقتی که تو به دنیا آمدی، مادرت بر اثر خونریزی زیاد مرد. وقتی از بابایم سؤال می کنم:
"دکتر نبود؟" و او در جوابم به آرامی در حالی که اشک در میدان چشمانش حلقه می زند مرا بغل می کند و می گوید همه چیز بود اما من بی پول بودم و سهمیه ای که خدایان برای ما تعیین کرده بودند همین بود!
راستی این خدایان کی ها اند که سهم ما را ظالمانه تعیین کردند؟؟ چون من یک دوست دارم که او نیز مادرش را ندیده است اما خودش می گفت که مادرش را خدایان ستمگر در زیر شکنجه در زندان کشتند.
کسی اسم مرا به جز خار از گل شنیده است. ولی پدرم می گوید که مادرم گل بود یعنی اسمش گل بود و بابا او را "شاه گل" صدا می کرده، اگر زنده بود من هم او را مامان شاه گل صدا می کردم... می دانم کسی اسم مرا از گل شنیده است ... چون کسی هم مادرم را ندیده ولی بابا مرا گل دختر صدا می کند! چون او خاطره های خوب و لحاظ زیبایی از مامان شاه گل دارد. شمی صلواتی